

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

استراتژی تأثیرگذاری روان‌شناسی در ترویج زبان و ادب فارسی ایران

فریبرز اصل مرز^{۱*}، سارا کاویانی^۲، شهلا فرجی^۳

^۱. دکترای روان‌شناختی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران. ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fariborzasmarz@yahoo.com

^۲. کارشناس ارشد، روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران. ایران.

^۳. کارشناس ارشد مشاوره و خانواده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

موضوع این پژوهش، راهبرد تأثیرگذاری روان‌شناسی در ترویج زبان، فرهنگ و ادب فارسی ایران است. بر این اساس، رابطه روان‌شناسی و ادبیات یک رابطه دو سویه است. یعنی ادبیات در روان‌شناسی باعث پیشرفت فکر و رشد جامعه می‌شود و روان‌شناسی نیز در ادبیات باعث خلق آثار بسیار ادبی می‌شود. اهداف این تحقیق، می‌خواهد به ما بگوید که ادبیات امروز خارج از روان‌شناسی نیست. چون هر نوشته‌ای که خلق می‌شود باید دارای روح و تازگی باشد که آن روح را روان‌شناسی می‌نامیم تا شخص بتواند با افکار سالم، آن اثر را بخواند و از آن لذت ببرد. روش این تحقیق میدانی بوده و برگرفته از کتب و مقالات متعدد می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد در روان‌شناسی، وظیفه ادبیات این است که در خواننده تعادلی روانی و یا در واقع عادت متعادل روانی به وجود آورد، بدین معنی معتقد است یک اثر هنری واکنش خاص و تأثیرگذار در بیننده یا خواننده ایجاد می‌کند. زیرا زیبایی خود چیزی است که موجب تعادل ترکیبی می‌شود و در مخاطب انگیزه ایجاد کرده و روح وی را نشاط و لطافت می‌بخشد. به هر حال ادبیات می‌کوشد که شناخت ارزش ادبی آثار را بر مبنای روان‌شناسی استوار کند.

واژگان کلیدی: استراتژی، روان‌شناسی، ترویج، زبان، ادب فارسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه

هرگونه داد و ستد فرهنگی و مبادله تجارب و استفاده از ثمرات عقول و افکار از لوازم و ضرورت های حیات معنوی هر ملت اصیل و متمدن و فرهنگ آفرین است که می خواهد در تاریخ استوار و پا برجای ماندگار باشد. تأثیر متقابل زبان و ادبیات فارسی و روان شناسی لازمه گذر زمان و تغییر و تحول است. لذا هر پدیدایی برای زنده ماندن باید در مسیری هدایت شود که نه تنها از جمود برهد، بلکه به خلود نیز برسد. چنین تغییراتی، زمانی پذیرفتنی است که از درون و بنیاد زبان باشد. امروزه در حوزه روان شناسی، نگرش بیرونی به ادبیات یکی از کارآمدترین گونه های خلاقیت و زیبایی نگری است. منظور از نگرش بیرونی آن است که متون ادبی را از جنبه ها و زوایایی مثل روان شناختی، جامعه شناختی، تاریخی، سیاسی و غیره بررسی کنند. از دیدگاه خطیب (۲۰۱۱)، مزیت ادبیات، دادن انگیزه مطلوب به زبان آموزان است. به همان میزانی که زبان آموزان از خواندن ادبیات لذت می برند، ممکن است انگیزه شان نیز افزایش یابد. وقتی که چیزی مربوط به شرایط واقعی زندگی باشد علاقه و شوق در زبان آموزان بیشتر می شود. در نتیجه، زبان آموزان آن گونه که خود می خواهند غرق در انگیزه و تجربیات می گردند. حاصل این غوطه وری و تعامل همان چیزی است که همه ما به دنبال آن هستیم و آن چیز همان یادگیری است که دارای ارزش آموزشی بوده و می تواند فراگیران را در یادگیری ادبیات درگیر کند.

در این مقاله که با عنوان استراتژی تأثیر علم روان شناسی در ترویج زبان و ادبیات فارسی ایران است به ارتباط علم روان شناسی با آثار ادبی می پردازیم. روان شناسی و ادبیات بی شک ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ یکی از این جهت که هر متن ادبی، زاده یک ذهن خلاق و به نوعی یک آفرینش است که از درون و ذهن آفریننده اش برآمده است. پس، می تواند منبعث و منتج از نفسانیت و ذهنیات و همین طور حالات روانی نویسنده یا شاعرش باشد. دیگر آن که هر متن ادبی، به خصوص داستان متشکل از قهرمان و دیگر شخصیت ها می باشد و بسیاری از منتقدان و حتی سبک شناسان معتقدند که قهرمان اصلی داستان انعکاس و برآیندی از زندگی خود نویسنده است. پس در بسیاری از آثار ادبی می توان از طریق اثر، نقدی بر زندگی و روان ادیب زد تا تأثیر روانی یک اثر ادبی بر مخاطبانش هم پیوند نزدیک روان شناسی و ادبیات را عاشقانه کند و هم علاقه تأثیرگذاری روانی و ادبی آن را در خوانندگانش درونی سازد (ولک رنه، ترجمه شیرانی، ۱۳۷۳). این پژوهش مختصر نه همه این زوایا، بلکه بخشی از آن را با اتکاء به سابقه چنین پژوهش هایی، رابطه قلبی و صمیمی روان شناسی و ادبیات را نشان می دهد.

روش پژوهش

روش پژوهش مورد نظر توصیفی، تحلیلی بوده و نوع تحقیق به صورت میدانی انجام گرفته است که با استفاده از مطالب کتابخانه ای و مقالات متنوع، مختلف و مرتبط با موضوع به توصیف و شرح بیان استراتژی تأثیرگذاری روان شناسی در ترویج زبان و ادب فارسی ایران پرداخته شده است. در مفهوم کلی می توان گفت: هنر در ادبیات قلم است یعنی نوشتن مطلب که اگر خلق اثری کند آن را هنر می گوئیم. ادبیات از همان آغاز زندگی بشر بوده است به طوری که ادبیات، آن زمان ها تصویری و حال نوشتنی است، بدین منظور فکر میکنی که تمام دنیا در یک محل جمع شده و بعد پراکنده شده اند. هنر ادبیات این است که با تمام علوم در آمیخته و رابطه دارد. هنر علم روان شناسی نیز مستثنی از این موضوع نبوده، بلکه فراوان در ترویج زبان و ادب فارسی نقش آفرینی نموده و خوش درخشیده است.

گذری بر استراتژی روان شناسی در ترویج زبان و ادب فارسی

هدف روان شناسی در ترویج زبان و ادب فارسی، عمیق تر کردن فهم مردم نسبت به شادی، کامروایی، رضایتمندی، بازآفرینی، تعهد، پرهیزکاری و ارزش و معنا بخشیدن به زندگی انسان است (سلیگمن، ۲۰۰۰، به نقل از پیرانی، ۱۳۹۱). به گفته حافظ: اگر حس حقارت به عقده مبدل گردد و سبک برتری جویی اتخاذ نگردد، انتقام جویی روش دیگری برای دستیابی به اهداف زندگی است. علاقه اجتماعی که معیار سلامت فرد است، در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این دیدگاه اهمیت بسیاری دارد و در اشعار حافظ جایگاه ویژه ای می‌یابد. حافظ در کنار غم و بی تابی، شخصیتی شاد و امیدوار داشته و از همین رو، نقش شادی و طراوت در اشعار او بسی بیشتر از غم است (مرتضوی نصیری، ۱۳۹۰).

از نظر آدلر؛ روان شناس اتریشی، برای درمان فرد باید اهداف او را دریافت و سبک زندگی مبتنی بر این اهداف را شناخت و سپس به اصلاح آن مبادرت نمود. رویکرد او جنبه پدیدار شناختی دارد و از نظر وی این باورهای فرد در مورد یک رویداد است که مهم‌اند، نه خود رخدادهای بیرونی؛ بنابراین وی پایه‌های شناخت درمانی را پی می‌ریزد و درمانگر باید به اصلاح باورهای فرد بپردازد تا فرد از حقارت رها شود و به برتری دست یابد (کولودونیسکی، کورت، ۲۰۰۶، به نقل از شیلینگ، ۱۳۷۹).

اگر از دیدگاه روان شناختی آدلر، اضطراب ناشی از یأس و ناامیدی فرد در رسیدن به اهداف زندگی است، از دیدگاه زبان و ادبیات حافظ همیشه امیدواری را در دل‌ها زنده می‌کند و غبار یأس از چهره‌ها می‌شوید. در رویکرد ایس، که متأثر از نظریات رواقیون و فلسفه تائوئیسم است، نگرش‌ها و تفکرات صحیح ما پشتوانه هیجان‌ها و رفتارهای ما می‌باشند؛ یعنی برای اینکه فردی را درمان کرد، باید به شناخت‌های معیوب او در قبال رویدادها پی برد و سپس آن‌ها را اصلاح کرد و تفکرات منطقی را جایگزین باورهای غلط نمود (شیلینگ، ۱۳۷۹). ادبیات حافظ نیز در تأکید بر باورهای صحیح به جای شناخت‌های معیوب به ما توصیه می‌کند که در گیرودار زندگی روزمره از اندیشه‌های منطقی پیروی کنیم. خود گویی‌های منفی باعث تقویت باورهای غلط و پایداری آن‌ها می‌شود و ناراحتی تولید می‌کند و خودگویی‌های مثبت باعث بهبود اوضاع روانی انسان خواهد شد. حافظ نیز در اشعار خود، در آن‌ها با سلاست و زیبایی ما را به خودگویی‌های مثبت دعوت می‌کند.

اگزستانسیالیست‌هایی چون هایدگر بر این باورند که حالات خلقی و عاطفی ما در شکل‌گیری نوع باورها و تفکرات و نحوه پردازش اطلاعات ما تأثیر می‌گذارند؛ به طوری که هنگام افسردگی یا غمگینی زیاد، دنیا را تاریک و یکنواخت می‌بینیم و در حالات شور و اشتیاق و خوشی روشن و زنده و جذاب. شرایط خاص چون وجود اضطراب و افسردگی، طریقه پردازش اطلاعات را تغییر می‌دهند. تئوری‌های شناختی و رفتاری نیز بر این حالات تأکید می‌ورزند که فرآیندهای شناختی به فرآیندهای عاطفی پاسخ می‌دهند و عکس این حالات نیز صادق است. در تحقیقاتی (به نقل از شیلینگ، ۱۳۷۹)، ثابت شده که افسردگی سرعت پردازش اطلاعات را کند می‌کند و در آن یادآوری وقایع منفی زیاد می‌شود، ولی خلق مثبت بر یادآوری وقایع مثبت اثر می‌گذارد و یادآوری آن‌ها را بیشتر می‌کند. طرح واره‌ها سازماندهی ذهنی و روانی تجارب‌اند که طریقه سازماندهی اطلاعات را متأثر می‌سازند. در دیدگاه ادبی حافظ، حالات خلقی فرد بر طرح واره‌های شناختی او تأثیر می‌گذارند و همچنان که در رویکرد شناختی گفته شد، طرح واره‌های شناختی نیز بر حالات خلقی بی تأثیر نیستند، اما حالات خلقی هم بر باورهای ما اثر دارند. بنابراین، فرد در زندگی باید خود واقعی‌اش را کشف کند و از خودپنداره مثبت برخوردار شود. والدین با ایجاد شرایطی ارزشمند، ایده‌آل‌هایی برای کودک در نظر می‌گیرند که او را از خود واقعی‌اش دور می‌کند. راجرز با تأثیرپذیری از فلسفه تائوئیسم چینی معتقد است که باید به یک فرد کمک شود تا خود راه خودش را پیدا کند. (میلین، ۱۳۸۸).

مازلو؛ نظریه‌پرداز دیگر در حوزه روان شناسی است، که یکی از ویژگی‌های افراد خودشکوفایا استقبال از حالت بلا تکلیفی و ظرفیت تحمل و دیگری خودمختاری و هدایت درونی می‌داند. روان‌شناسان پس از ۲۵ سال تحقیق در دانشگاه جان هاپکینز به این نتیجه دست یافتند که اعاده روحیه مراجع به دو هدف بستگی دارد: هدف اول جنگ با نگرش‌ها و هیجان‌ات مخرب، نظیر ترس یا ناامیدی و همچنین تشدید هیجان‌اتی است که سلامت ما را بیشتر تأمین می‌کنند؛ نظیر امیدواری و اعتماد به نفس، و هدف دوم بالا بردن احساس تسلط و کنترل بیمار بر خود و از آن طریق بر محیط است. در دیدگاه حافظ، نیز افراد به داشتن ویژگی‌های خود شکوفایی تشویق می‌شوند. از جمله تأثیر ناپذیری از دیگران، کنترل درونی، اعتماد به نفس، توانمندی و بلند همتی از این نوع است.

از دیدگاه ادبیات حافظ، پیرمغان همان پیر فرزانه‌ای است که به ویژه در مسائل اخلاقی به نوآموز کمک می‌کند. حافظ نیز در مسیر کمال، نوآموزی است که با مدد پیرمغان مراحل دشوار خودشناسی را به درستی طی می‌کند. پیرمغان در شعر حافظ پیر میکده، پیرمیخانه، پیر خرابات، پیر می‌فروش، پیر دردی‌کش، پیر گلرنگ و غیره نیز نامیده شده است. توصیه پیرمغان برای می‌نوشیدن، رمز یاری رساندن او به ناخودآگاه است

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تا بتواند به اعماق ناخودآگاه راه یابد و از این طریق به شناخت صورت های ازلی پنهان در ضمیر ناخودآگاه جمعی نائل آید. در غزل حافظ، علاوه بر پیرمغان، معشوق نیز با نشانند شراب، حافظ را در راه یابی به لایه های پنهان ناخودآگاه جمعی مدد می رساند. معشوق یکی از نمادهای صورت ازلی آنیماست (فلاتی، ۱۳۸۹). با این همه، می توان گفت: روان شناسی و ادبیات دو زبان تأثیرگذار باهم و در کنار هم اند.

یافته های پژوهش

استراتژی روان شناسی در ادبیات این است که هنرمند یا نویسنده را می کاود، جریان باطنی و احوال درون شاعر یا نویسنده را ادراک و بیان می نماید، قدرت تالیف و استعداد ذوق و قریحه وی را می سنجد و از این راه تأییری را که محیط و جامعه و سن و سُن و مواردی در تکوین این جریان ها دارد مطالعه می کنند و بدین گونه نوع تفکر و ذوق شاعر را معین می نمایند (زرین کوب، ۱۳۸۳). لذا از این جهت، می توان رابطه ادبیات با روان شناسی را از نوشته و افکار نویسنده درک کرد که چه رابطه ای را ایجاد کرده است و یک اثر ادبی خلق نموده که مخاطبان فراوانی دارد. (عبدالحسین زرین کوب، نقد ادبی، ۱۳۷۳). تحلیل روان کاوانه فروید نیز از یک هنرمند همین است (فدایی، ۱۳۹۹). گویی فروید که نویسندگان را برگزیده ترین روان کاوان می دانست و بنیانی ترین مفاهیم روان کاوی خود را از ادبیات به وام گرفته بود با گشودن دروازه های قلمرو ناخودآگاه روان که چشم انداز تازه ای در برابر نویسندگان می گستراند و شیوه های روایتی تازه ای در اختیارشان می گذاشت به ادبیات ادای دین می کرد (حورا یآوری، ۱۳۹۶).

علیهذا، می توان گفت: نویسنده تنها برای پشت میز تحریر درست نمی شود، بلکه در دیگ جوشان زندگی به وجود می آید. زیرا درک محبت و احساسات باید مقدم بر شرح احساسات باشد. هنرمند، دردمندی است که خود به تکاپو می افتد تا به درمان پردازد. هنگامی که روح حساس هنرمند از واقعیات رنج آور عالم، وا زده می شود به عالم خیال پناه می برد و این پناه بردن، بسیاری از واژگی ها و محرومیت هایش را جبران می کند.

از این رو منتقدان یا ادیبان توجه به روان شناسی را در فهم آثار ادبی خود بسیار مهم می شمارند و آن را مفتاح سایر شقوق و اقسام نقد می انگارند و در واقع شعر و ادب را عبارت می دانند از روان شناسی شاعر یا نویسنده ای که روح و روان آنها با ادبیات گره خورده است. با این راهبردهای روان شناختی، از مطالعه آثار ادبی می توان دریافت که عواطف و احساسات هنرمند چیست؟ و متحرک او در اندیشه ها و الهامات خویش کدام است؟ و هم چنین صفات و احوال نفسانی غالب بر عصر و معاصرانش را نیز می توان شناخت. در هر حال، اثر هر شاعر یا نویسنده معرف خصال و سجایا و به عبارت دیگر روان شناسی او به شمار می آید. بدین ترتیب، روان شناسی نویسنده، که خود نویسنده افکار خود را به طوری که از جامعه پیرامون خود است یا از افکار خود است به صورت تازه و بدیع در نوشته یا شعر خود می آورد و باعث جذب خواننده می شود. هم چنین، روان شناسی جامعه، که نویسنده برای نوشتن خود از جامعه کمک می گیرد، در حالی که جامعه اگر روانی پاک داشته باشد تأثیر زیاد بر پیشرفت جامعه و خلق یک اثر هنری دارد، نیز بسیار مؤثر است. همین طور، روان شناسی خواننده، امروز هر کسی که بخواهد چیزی بنویسد دیگر به مخاطب خود نگاه می کند. یعنی مخاطب او از نظر روانی دارای چه شخصیت سنی است تا کلیت اثری را برای مخاطبش خلق کند به کاوش می پردازد.

در نتیجه، آمیختگی روان شناسی با زبان فارسی باعث توسعه و رونق و اقتدار و خوش آهنگی زبان فارسی شده و بر لطف و حلاوت زبان و ادب فارسی افزوده است. همچنان که این زیبایی و شیرینی در نظم و نثر گویندگان و نویسندگان خوش ذوق و توانا و چیره دست و بلندآوازه چون فردوسی، بزرگ حماسه سرای نامدار و آثار جاودانه مولانا جلال الدین رومی و سعدی و حافظ شیرین سخن بیشتر محسوس و چشمگیر است. یکی از علل تحول و تکامل هر زبانی دادن و سِتْدن است. همه زبانه های زنده ملت های متمدن در آمیخته با لغت های دیگران است. این مبادله نه تنها عیب و کاستی به شمار نمی رود که حُسن و امتیاز برای هر زبانی و عامل پیشرفت و تکامل و زاینده گی زبان هاست که در روان شناسی و ادبیات نیز محسوس و ملموس است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه گیری

ادبیات فارسی مشحون از اشعار نغز شاعران زیبا سخن بسیاری است که به لحاظ روان شناختی هر یک به نوعی به بیان نیازهای روحی و روانی انسان در مسیر شکفتن پرداخته‌اند. از جمله، اشعار غنایی بیانگر احساسات و تمنیات روحی و روانی آدمی است. خواننده این اشعار مسحور سخن دلنشین و حلاوت کلام آن می‌گردد. بی شک ادبیات غنی فارسی از تأثیرپذیری روان شناسی بر کنار نبوده و در متون مختلف منثور و منظوم، جای جای از این مسئله و انواع آن سخن گفته شده است. (وجدانی، ۱۳۹۵). غزلیات حافظ که الهام گرفته از قرآن است، تأثیرات فراوانی بر خوانندگانش دارد که آثار روان‌شناختی بخشی از آن است. تأثیر اشعار حافظ بر ایجاد حالات مثبت روانی بسیار است؛ زیرا اغلب اشعار وی بر مثبت‌اندیشی و زیبایی‌نگری تأکید دارند و به همین دلیل است که اغلب مردم ایران به هنگام مواجهه با دشواری‌های روان‌شناختی به اشعار وی تمسک می‌جویند و مراد دل خود را از دیوان وی می‌طلبند.

در مکتب روان‌کاوی، بیان تمایلات سرکوب شده و ابراز آن‌ها خاصیت درمانی دارد. از این رو با خواندن اشعار حافظ در حقیقت افراد تمایلات درونی خود را به زبان این اشعار بیان می‌دارند و همین باعث بهبود حالات روان‌شناختی آن‌ها می‌شود. خاصیت تأویل‌پذیری اشعار حافظ منشوری هزار پهلو می‌سازد که هر یک از افراد یا اقشار جامعه از نگاه و بینش خود، در دایره تجربه، در گونه‌ای از دانش، ساحتی از حضور، در شکل خاصی از تربیت و آموزش و مراحل گوناگون آرمانی و عاطفی در آن قرار می‌گیرند و وارد ساحت مکالمه با خواجه می‌شوند. اشعار حافظ فقط گزاره‌های ساده زبانی نیستند، بلکه نوعی جهان بینی یا زندگی را بیان می‌کنند که برای ساده‌ترین و کم‌فرهنگ‌ترین انسان‌ها هم جاذبه دارد (غلام‌حسین زاده، ۱۳۸۶). شادکامی، امید، خوشبختی، هوش هیجانی و عشق، هیجان‌های مثبت و اصلی به شمار می‌آیند و خرد، شجاعت، انسانیت، عدالت، میانه روی و معنویت شش فضیلت انسانی هستند که توانمندی‌های انسانی از آن‌ها ریشه می‌گیرند. در سایه همه این‌ها، آدمی همیشه احساس آرامش می‌کند و به سلامت روانی مطلوب، دست می‌یابد (پنتریچ و شانک، ۱۳۸۶).

تأثیر زبان، اشعار و ادبیات حافظ بر بهبود حالات روان‌شناختی مردم ناشی از ماهیت مثبت‌گرایانه این اشعار و حالت بهبود بخشی آن‌هاست و به همین سبب باید به کسانی که به انواع مشکلات روان‌شناختی دچارند، توصیه کرد که اشعار وی را بخوانند و در این راه ممارست نمایند؛ باشد که حالشان به شود و به سلامت روحی و روانی دست یابند. همچنین، از دیدگاه آدلر، انسان به دنبال تحقق اهداف خود در زندگی است و برای دستیابی به این اهداف سبک خاصی را دنبال می‌کند. این سبک در حقیقت در بستر شرایط و مقتضیات اجتماعی مناسب تعریف می‌شود و به همین دلیل او از یک مسیر که تعلقات اجتماعی اش نیز حفظ می‌شود، به اهداف خود دست می‌یابد. این نظر آدلر، در دیدگاه حافظ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از منظر روان‌شناسی انسان‌گرا، اشعار حافظ از یک سو بر واقعیت ذهنی بیشتر از واقعیت عینی نظر دارد و از سوی دیگر، روان‌شناسی انسان‌گرایانه به دلیل تأکید بر انتخاب آزادانه با دیدگاه حافظ ارتباط نزدیکی می‌یابد. از این دیدگاه، انسان موجودی است خودساخته که همانند شخصیت رند در حافظ، از اعمال ریاکارانه نفرت دارد و آزادی در وجود او شکل گرفته است. در کل، می‌توان گفت اشعار حافظ در برگیرنده تمامی دیدگاه‌های روان‌درمانی است و کسی که با این اشعار آشنایی دارد، در واقع یک درمانگر خوب است. در نتیجه، با خواندن ادبیات و اشعار حافظ حالات روانی ما بهبود می‌یابد و این نوعی درمان سنتی در جهت بهبود روان رنجور آدمی است.

منابع

- #. پنتریچ، پل و شانک، دیل. اچ. (۱۳۸۶). انگیزش در تعلیم و تربیت. ترجمه مهرناز شهرآرای، تهران: انتشارات علم.
- #. پیرانی، منصور (۱۳۹۱). نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن، هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادب فارسی، دانشگاه هرمزگان.
- #. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سخن.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- # زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳). نقد ادبی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- # شیلینگ، لوئیس (۱۳۷۹). نظریه‌های مشاوره، ترجمه خدیجه آرین، تهران: انتشارات اطلاعات.
- # غلام حسین زاده، غریب رضا (۱۳۸۶). حافظ و منطق مکالمه رویکردی باختینی به اشعار حافظ، پژوهش در زبان‌های خارجی، شماره ۳۹، صص ۹۵-۱۱۰.
- # فدایی، فرید (۱۳۹۹). یونگ، بنیان‌گذار روان‌شناسی تحلیلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانژه.
- # فلاتی، علی (۱۳۸۹). از فروید تا حافظ، تهران: انتشارات خیام.
- # مرتضوی نصیری، اکرم‌السادات (۱۳۹۰). بررسی مفهوم غم و شادی در غزلیات حافظ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- # میلین، آیلین (۱۳۸۸). خودآموز فنون و نظریه‌های مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر دانژه.
- # وجدانی، محمد (۱۳۹۵). الهاماتی از خواجه، تهران: انتشارات حیدری.
- # ولک، رنه (۱۳۷۳). تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، جلد ۱، چاپ اول، تهران: نشر نیلوفر.
- # یاوری، حورا (۱۳۹۶). روانکاوی و ادبیات، تاریخ ایران، تهران: نشر علم.
- #. Khatib, M., Derakhshan, A. & Rezaei, S. (2011). Why and why not literature: A task-based approach to teaching literature. *International Journal of English Linguistics*, 1(1). 213-218.